تهیه و تنظیم:  
مهندس اکبر شیرزاده

# پژوهشی در دیرینه شناسی تولید پارچه ایران باستان

وجود آمدن حس خلاقیت هنری، صنایع آن چنان ترقی کرد که با دوره‌های قبل قابل قیاس نبود. با این که تاکنون درباره طرز بافندگی و موادی که در آن به کار می‌رفت به طور دقیق بحثی نشده اما به طور کلی می‌توان گفت در زمان ساسانیان، صنعت پارچه‌بافی همدوش صنایع دیگر ترقی فراوان کرد و در نتیجه این پیشرفت عظیم، مقدار زیادی پارچه‌هایی را که گل‌های زیبا و صورت حیوانات عجیب در آنها بافته شده و چه از راه تجارت در قرون وسطی و چه در زمان جنگ‌های صلیبی به اروپا برده‌اند و آنها را پوشش اشیای متبرک کلیساها قرار داده‌اند؛ تا امروز باقی است.



تصویر شماره ۳- پارچه زربفت با نقش سیمرغ و ازدها

تصویر شماره ۳، پارچه زری با نقش سیمرغ و ازدها، نوع دیگری از نمایش بافت پارچه‌های زربفت شکل‌دار را نشان می‌دهد که برای بافت آن از دو دسته تار و دو نوع دهنه استفاده می‌شد. یک دسته تار به وسیله لنگه ورد برای زمینه بافت و دسته دوم به وسیله گوشواره در بالای دستگاه بافندگی به وسیله کارگران ماهر مدنظر

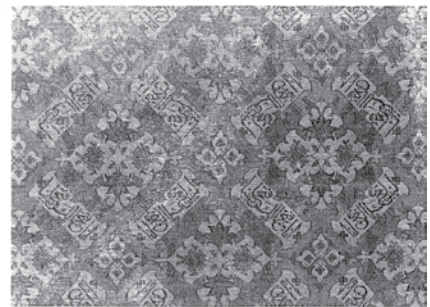
این نوع پارچه امروز به وسیله دستگاه ژاکارد به راحتی بافته می‌شود ولی چندین هزار سال قبل توسط کارگران ماهر انجام می‌شد به این صورت که در بالای ماشین قرار می‌گرفتند و دسته‌های نخ تار را به موقع و تحت فرمان نقش خوان (شعربافت) از دست‌های خود که در نقشه پیش‌بینی شده بود بالا می‌بردند و با هماهنگی سایر کارگرا، برای رو قرار گرفتن نخ‌های تار و رد شدن نخ پود از زیر آنها عمل می‌کردند. این عمل تعداد نخ‌های پود در بافت پارچه تکرار می‌شد. در تصویر شماره ۲، نقشه به صورت گسترده‌تر به نمایش درآمده است.



تصویر شماره ۲- پارچه زربفت

بنابر گفته اکثر مستشرقین و نویسندگان، پس از یک رکود ممتد در هنر و صنایع ایران در دوره ساسانی با احیای مدل‌های قدیمی لباس ایرانی و صنعت بافندگی و علاقه خاص مردم به سنن قدیمی و به

چندین قرن حکومت و سلطنت ساسانیان یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخ هنر ایران محسوب می‌شود. پارچه‌های ساسانی در تمام دنیا شهرت داشت و نساجی ایران در این دوره سرآمد تمام کشورها به شمار می‌آمد. این پارچه‌ها که اغلب ابریشمی هستند در بافت یا تزئین آن از نخ و الیاف طلا و نقره استفاده شده است و طرح‌های آن عصر بیشتر شامل نقوش انسانی، حیوانی و موجودات افسانه‌ای و اسطوره‌ای است. قطعات بسیاری از پارچه‌های دوران ساسانیان هم اکنون در موزه‌های داخلی آمریکا و اروپا نگهداری می‌شود که دلالت بر رونق و شکوفایی این صنعت بوده است.



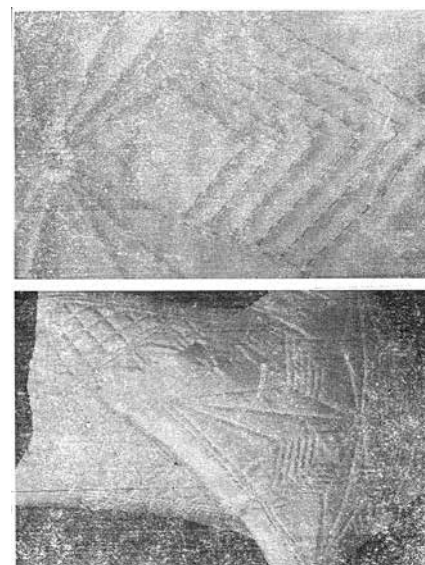
تصویر شماره یک- پارچه زربفت

تصویر شماره یک قطعه پارچه زربافت مزین به آیهای از قرآن مزین است در حالی که به صورت قاب تنظیم شده و بافت بسیار نفیسی دارد. در اطراف گل و بوته‌های بسیار زیبا به روی پارچه که تارهای آن از ابریشم رنگی است، قرینه شده و بسیار دقیق و بی‌عیب بافته شده است.

قرار می‌گرفت. آنان نخ‌های تار را در دستان خود نگه می‌داشتند و به موقع طی فرمان برای حرکت و وارد شدن پود در وسط تارها، دستان خود را بالا و پایین می‌بردند و عمل بافت را انجام می‌دادند.

در اجرای این طرح‌ها دقت عمل بسیار قابل توجه است چون معمولاً بین ۵ تا ۱۵ کارگر در بالای ماشین، عمل حرکت نخ‌های تار را با توجه به گفته نقشه‌خوان انجام می‌دادند و باید گوش به زنگ می‌ماندند تا به موقع، دست چپ یا راست خود را حرکت دهند.

در آن زمان، زمستان‌ها یک نوع جامه برتن می‌کردند که از ابریشم و پشم بافته شده بود و در آستر آنها ابریشم تاییده جا می‌دادند و به‌عنوان «آجیده دوزی» شناخته می‌شد. تصویر شماره ۴، نمونه‌هایی از آجیده دوزی با نقش‌های نوری و به صورت ضربدری و قرینه شده را نشان می‌دهد.

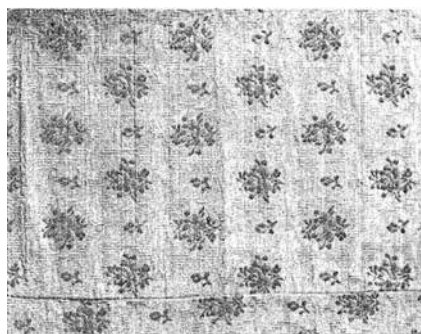


تصویر شماره ۴- آجیده دوزی

معمولاً پارچه‌های زری بافی، مخمل، ترمه، تافته با تور یا حریر نقده‌دوزی یا آجیده دوزی شده، آستردار بود. در کتاب مروری بر صنایع دستی ایران، عمر مفید پارچه‌های نقده دوزی و آجیده دوزی را حدود ۱۰۰ سال و عمر مخمل را بین ۵۰ تا ۷۰ سال دانسته‌اند. در خراسان جنوبی، نقده دوزی و آجیده دوزی رواج داشت و هم‌اکنون زنان سالخورده در این کار مهارت کامل و کافی را دارند.

ابریشم را از هندوستان از راه دریا می‌آوردند. راه‌های خشکی آسیای مرکزی که مردم سغد پاسبان آن بودند. ایران را با چین در روابط دائمی نگهداشته و به وسیله ایران، امپراتوری روم نیز با چین مربوط بود و از آنجا مستقیماً ابریشم می‌آوردند. در مقابل، مردم چین کالاهای دیگر مخصوصاً وسمه ایران را که برای رنگ کردن ابرو بود، می‌پسندیدند و به قیمت گزاف آن را می‌خریدند. تولید ابریشم که کاشف آن چینی‌ها بودند به مدت ۲۰۰ سال مخفی ماند و تمام دروازه‌های خود را کنترل می‌کردند که کسی تخت کرم ابریشم را از چین خارج نکنند و تمام افرادی که خارج می‌شدند مورد تفتیش قرار می‌گرفتند تا مطمئن شوند تخ ابریشم از چین خارج نمی‌گردد.

اولین بار یک شاهزاده ایرانی مبادرت به سوراخ کردن وسط عصای خود شده و در داخل سوراخ عصا، مقداری تخم ابریشم قرار داد و از چین به شمال ایران - مرکز درخت‌های توت- آورد. وی به تهیه و تولید کرم ابریشم و در نتیجه خود ابریشم نمود. این عمل چنان زیبا و پرقدرت انجام شد که ایرانیان، تولید ابریشم را به انحصار خود درآوردند و چنان پارچه ابریشمی را با نقش و نگار و گل و بوته و همچنین رنگ‌های متناوب و متفاوت به دنیا عرضه نمودند که شاهزادگان و مردم متمول چین خریدار آنها شدند و افتخار می‌کردند لباس ایرانی بر تن دارند.



تصویر شماره ۵- پارچه ابریشمی

تصویر شماره ۵، پارچه ابریشمی زری بافی را نشان می‌دهد که با نقش گل و بوته در اصفهان (قرن ۱۰ و ۱۱) بافته شده و هم‌اکنون در موزه ملی ایران قرار دارد. متأسفانه تاکنون تحقیقات کامل در مورد محل

کار بافندگان، نام متخصصین و ذکر معانی لغات و اصطلاحات بافندگان آن زمان انجام نشده است اما دلایل بسیاری وجود دارد که بافندگان و متخصصین، بافتن پارچه‌های فاخر مانند دیبا و زری مورد استفاده پادشاهان و حکام وقت بوده در زمان ساسانیان را بسط و گسترش دادند.

ابریشم بافی و از جمله بافت زریفت، از سده چهارم میلادی در ایران سابقه داشته است. طبق نظر بهشتی پور، دیبای شوشتر پوشاک بزرگان عالم بود و خریدار بسیار داشت و نیز در شوشتر و بلاد دیگر خوزستان، قسمی پارچه از پر مرغ ماهی خوار و قو درست می‌کردند که پربهاترین منسوجات و در لطافت و ظرافت بی مانند بود. برخلاف نظر پوپ که نوشته است، ما نمی‌دانیم اولین کارگاه‌های بافندگی ابریشم از چه تاریخ و در کجای ایران تاسیس شده‌اند، بهشتی پور می‌نویسد: «کارخانه‌های نساجی در مرو، ری، اهواز و شوشتر، انواع منسوجات مانند شال‌های کرکی، پشمی، حریر و دیبا را می‌بافتند. زراعت و صنعت پنبه نیز ترقی کرده و در جمیع ایالات مخصوصاً نواحی خراسان، معمول بود.»

او در جای دیگری می‌نویسد: «مردم در زمستان از جامه‌های ابریشم و پشم استفاده می‌کردند و دلایل بسیاری است که بافندگی، مخصوصاً بافتن پارچه‌های فاخر، مانند دیبا و زری که مسلماً مورد استفاده شاهان وقت بوده، در زمان ساسانی ترقی کرده است. همچنین، پارچه‌های بسیار لطیف از پشم، کرک و ابریشم در ایران ساسانی بافته می‌شد که مشهور آفاق بود. در مغرب نیز، پارچه‌های ابریشمی ایران بسیار مورد توجه بودند. چنان که ژوستینین، امپراتور روم به زحمت توانست برای کارگران حق انحصاری بافتن آنها را به دست آورد. همین امر باعث شد، بسیاری از کارگران سوریه به ایران بازگشتند. پس از آن ژوستین، امپراتور دیگر، توانست از پادشاهان ساسانی اجازه بگیرد که مردم سرزمین سغد تنها برای رومیان پارچه بیافند»

در کتاب «هنرهای ایرانی و آثار برجسته آن» ذکر شده است که تقریباً همه نمونه پارچه‌های این دوره در خارج از ایران هستند. کریستی معتقد است، بیش

قرن‌ها پس از انقراض ساسانیان، در دست مردم و بازار بوده است. در جنگ‌های صلیبی چنان قیمتی داشت که اشیای متبرک کلیسا را در آن پیچیده یا به عنوان کفن با خود به گور برده‌اند و برخی از خزانه کلیساها به موزه‌ها منتقل شدند.

#### پارچه زربافت

در لغت نامه دهخدا از زری چنین تعریف کرده‌اند: «زری، یک صفت نسبی منسوب به زر است یعنی ساخته شده از زر، در لغتنامه دهخدا معنی «زری» چنین بیان شده است: «زری یک صفت نسبی منسوب به زر است، یعنی ساخته شده از زر، زرین، طلایی، زری عبارت است از پارچه‌های زربافت. پارچه‌ای که پودهای آن از طلا است و زربافت و زری بافی عمل بافتن زری و زربافت بافی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). «زری» یا «زربافت» به پارچه‌ای اطلاق می‌شود که در بافت آن الیاف فلز طلا یا نقره به کار رفته باشد. این الیاف را در اصطلاح گلابتون می‌گویند. گلابتون نخ ابریشم بسیار ظریف است که بر دور آن رشته نازکی از فلز طلا یا نقره پیچیده شده باشد.

زهره روح‌فر نیز در مقاله‌ای به عنوان «زری بافی در ایران» پارچه‌های زری و زربافت را چنین تعریف کرده است: «به طور کلی به پارچه‌ای که در بافت آن، الیاف فلز طلا و نقره به کار رفته است، زری یا زربافت می‌گویند.» نه تنها در تعاریف بلکه در بسیاری از دیگر منابع، پارچه زری، پارچه‌ای شناخته شده است که در آن زر و سیم به کار رفته است اما می‌توان گفت که هر پارچه‌ای که در آن الیاف زر به کار رفته باشد، مسلماً زری است؟ و یا هر پارچه‌ای که در آن طلا و نقره به کار رفته باشد، زری نیست؟

در گذشته بیشتر بافته‌های ارزشمند چون زری، مخمل و ... به مصرف دربار می‌رسید و اغلب بافندگان هم در خدمت دربار بودند. برای آن که بر جنبه تجمل و نفاست پارچه‌های بیفزایند از الیاف طلا و نقره نیز استفاده می‌کردند و سعی داشتند که لباس درباریان الیافی از طلا و نقره داشته باشد، حتی میزان زر به کار رفته در لباس درباریان گویای مقام و جایگاه آنان بود. این پارچه از هر جنسی که بود و به هر شیوه‌ای

دیده می‌شود، معمولاً کار مطالعه پارچه‌های ساسانی را آسان می‌کند. امیل مال می‌گوید: «حتی در چین که سرزمین ابریشم نامیده می‌شد، گاه از اسلوب پارچه بافی ایرانی تقلید می‌کردند.»

طبق نظر پوپ، گران‌بها ترین اسباب تجمل در دوره ساسانی ابریشم بوده است؛ زیرا دست کم تا زمان سلطنت ژوستینین (۵۶۵-۵۲۷ م)، ایران ماده اولیه پارچه‌هایی را که می‌بافته، خود نداشته است و آن را از چین به صورت ابریشم خام دریافت می‌کرد که هنوز قابل بافتن و رنگ کردن نبوده یا به صورت پارچه‌ای بوده که می‌شکافته است تا دوباره از نخ آن استفاده کند.

نقل کرده‌اند که وقتی نساجان انطاکیه را به شوشتر بردند، شاپور اول در سال ۲۶۰ میلادی صنعت ابریشم را در ایران تاسیس کرد. اما از طرف دیگر، اگر محرز باشد که تا قرن سوم پیش از میلاد چین نگذاشته است کسی در خارج، از ابریشم و صنایع مربوط به آن اطلاعی به دست آورد. می‌توان نتیجه گرفت که از آن پس، مهاجرینی کم کم ابریشم رشته و پارچه‌های ابریشمی و بعد صنعت رشتن و بافتن آن را به آسیای غربی برده‌اند. ولی بر ما معلوم نیست که چه وقت و در کجا این مهاجرین به ایران رسیده‌اند و اطلاعاتی هم که از آزمایش پارچه‌ها به دست آمده، بسیار اندک است.

مقارن نیمه قرن ششم میلادی بود که پرورش نوغان و تهیه ابریشم در ایران معمول شد. مسعودی می‌نویسد: «شاپور دوم بعد از شکست رومیان عده‌ای از بافندگان را در شوشتر، شوش و شهرهای ناحیه اهواز جای داد و در این زمان، تولید دیبای شوشتر و انواع حریر در این شهر معمول شد. تافته را در شوش و پرده را در خاک نصیبین می‌بافتند.» همچنین، شاپور دوم بافندگانی را از «آمیده»، در شمال بین النهرین، به شوش و دیگر شهرهای خوزستان کوچ داد و آنها گونه‌های تازه‌ای از پارچه‌های ابریشمی و زری رواج دادند. این داستان را گویا، گزارشی در «کارنامه شهیدان» درباره پوسی نامی که گویند رییس کارگاهی وابسته به کاخ شاپور در شوش و بعدها در «کرخادی» لیدان بوده است، تأیید می‌کند. این گونه پارچه‌ها به اندازه‌ای مطلوب بوده که

از ۶۰ نمونه از کالاهای نساجی آن زمان در دست است که اغلب آنها در موزه‌های اروپا و هندوستان نگهداری می‌شوند. یک مورخ دیگر می‌نویسد: این نمونه‌ها در موزه‌های بزرگ جهان چون: آرمیتاژ، برلن، آلبرت و ویکتوریا در لندن موجودند.

علاوه بر اینها، تقریباً ۲۵ قسم نقشه پارچه روی حجاری‌های طاق بستان نمایش داده شده که برای متخصصین راهنمای مهمی است و به تشخیص و تقسیم بندی منسوجات زمان ساسانی کمک می‌کند. گیرشمن در این مورد می‌نویسد: «از ابتدای سال هزار میلادی، تجارت اشیای متبرک مقدس رواج عجیبی یافت. هر عبادتگاهی می‌خواست مالکیت استخوان‌های پارسیان مسیحی را داشته باشد و برای آنکه این استخوان‌ها را از شرق بیاورند، آنها را در پربهاترین بافته‌ها می‌پیچیدند. به این ترتیب، این پارچه‌های کهنسال که در صندوق‌های متبرک محفوظ مانده بودند، به دوران ما رسیدند.

پارچه‌های زمان ساسانی در تمام دنیا معروف و ایران در صنعت نساجی از تمام کشورهای جهان پیش بود. در آن زمان، پارچه‌های ابریشمی و سایر قماش ایران در اروپا و نقاط دیگر دنیا خریداران زیادی داشت، ولی حتی یک بافته که بتوان آن را به دوره ساسانی منتسب دانست، هنوز در ایران پیدا نشده است. آگاهی ما درباره بافته‌های ساسانی به بازنمایی‌های آنها در نقوش برجسته طاق بستان و نقاشی‌های دیواری در چند نقطه آسیای میانه محدود است.

چند بافته را به دوره ساسانی نسبت داده‌اند که چون هسته‌ای کوچک و سخت نقش و نگارهایی به راستی ساسانی دارند و با اسلوب ساسانی خالص بافته شده‌اند، می‌توان اعتبار آنها را پذیرفت. شناسایی بافته‌های ساسانی را، تقلیدهای فراوانی که نه تنها بافندگان آن روزگار، بلکه بافندگان چند سده بعد از آنها کردند، دشوار می‌سازد.

مجموعه کوچکی از بافته‌ها که تعلق آنها به دوره ساسانی قطعی است، آنهایی هستند که در گورهای آسیای میانه و مصر و در خزائن کلیساهای اروپا حفظ شده‌اند. بیشتر این بافته‌ها ابریشم هستند تصویر لباس‌هایی که در حجاری‌ها یا روی ظروف سیمین



که بافته می‌شد، الیاف طلائی داشت و به درستی نمی‌توان گفت که پارچه زری، پارچه‌ای است که الیاف طلا و نقره دارد زیرا این تعریف می‌تواند تمام بافته‌هایی را در برگیرد که گذشتگان برای آن که در خور مقام شاهی و درباری باشند از الیاف زر در تار و پود آنها استفاده می‌کردند با پارچه‌های دیگر که در آنها زر به کار رفته است

دالمانی در «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» می‌نویسد: «اگر مورخان قدیمی درباره بافته‌های طلائی، مطالبی نوشته‌اند منظور آنها قالی و قالیچه بوده که مفوت طلا جهت تزئین به کار می‌بردند.» برای عده‌ای هنوز هم در تعریف پارچه زری، ابهاماتی وجود دارد و بسیاری از پارچه‌هایی که زری نیست هم به نام زری می‌خوانند. به راستی زری چیست و چند درصد از یک پارچه زری را الیاف گلابتون تشکیل می‌دهد؟

زری، پارچه‌ای است که چله یا تار آن از ابریشم خالص، پودهایش ابریشم رنگی و یکی از نخ‌های پود، گلابتون (طلا) است که می‌تواند زرین یا سیمین باشد. مطمئناً فقط نخ طلا، تعیین کننده درصد نفیس بودن این پارچه‌های گرانبها نبوده و عوامل دیگری همچون لطافت و ظرافت، طرح و نوع نقشه بافت نیز تعیین کننده است.

یکی از استادان فن زری‌بافی در میراث فرهنگی استان اصفهان می‌گوید: «مثلاً در یک قطعه پارچه زری، صد گرم گلابتون به کار می‌رود و هر مثقال گلابتون، هزار تومان باشد، قیمت گلابتون به کار رفته در این پارچه، صد هزار تومان و اگر هر مثقال دو هزار تومان باشد، ارزش گلابتون مصرفی دویست هزار تومان خواهد بود؛ در حالی که همین پارچه زری اگر خوب بافته شود حدود یک میلیون تومان ارزش دارد و اگر نقش آن تکراری نباشد و دیگر بافته نشود، نمی‌توان برایش قیمتی تعیین کرد.» چون ارزش این یافته‌ها تنها به الیاف گلابتون بستگی ندارد پس در تعاریف نیز نباید ارزش را به الیاف گلابتون معطوف کرد. به گفته همین هنرمند، در گذشته زری‌هایی می‌بافتیم که اصلاً در آنها گلابتون به کار نرفته ولی باز هم آن را پارچه زری می‌دانستند و با قیمت‌های

بالا فروخته می‌شد.

استاد دیگری می‌گوید: «اگر گلابتون نداشته باشیم یا اگر کسی پارچه نرم‌تری سفارش دهد، به ندرت به جای گلابتون از نخ ابریشم رنگی دیگری استفاده می‌کنم. رنگ‌ها در دست بافته است و می‌تواند از هر رنگی استفاده کند. پارچه زری با گلابتون و بدون آن هم بافته می‌شود.» با چین اوصافی پرسش اینجاست که اگر پارچه زری، منسوجی بافته شده از زر است چرا بافته‌هایی که فاقد الیاف زر هستند، به نام پارچه زری در بازار خرید و فروش می‌شوند؟

باید این نکته یادآوری شود که پارچه‌های مختلفی با ابریشم بافته می‌شوند و مسلماً روش بافت آنها نیز متفاوت است اما نمی‌توان آنها را با هم به یک نام شناخت. البته پارچه ابریشمی که به روش زری بافته می‌شود، زری است حتی اگر فاقد زر باشد؛ پس در این تعریف، تمایز پارچه‌های ابریشمی با یکدیگر در تفاوت شیوه‌های بافت است.

درست نیست بافته‌ای که تمام ویژگی‌های فنی زری مانند بافت، نوع الیاف، زیبایی، ظرافت و ... که جزو مشخصات زری است؛ در گروه پارچه‌های دیگر بدانیم.

پارچه زری ویژگی‌های خاص خود را دارد و دارای ظرافت بسیاری است؛ پس می‌توان گفت هر پارچه ابریشمین که به روش زری و با دستگاه زری‌بافی بافته شود، یک پارچه زری است.

یکی از اساتید ماهر و صاحب‌نظر در این مورد می‌گوید: «زری، نامی است که بر روی این پارچه گذاشته‌اند. چن هم زیباست، هم ظریف و هم دقت زیادی برای خلق آن صورت گرفته و تمام ریزه‌کاری‌های به دقت رعایت شده است. هر پارچه ابریشمی که به این شیوه و شرایط بافته شود و به رویش نقش و نگار ایجاد شود، زری است چه گلابتون داشته باشد و چه فاقد گلابتون. یکی از پودهایی که در این پارچه به کار می‌رود، گلابتون است.»

متأسفانه مستشرقین و اغلب محققین، مورخان و نویسندگان با عرضه تعاریف نادرست از پارچه زری، ارزش این بافته را تنها الیاف طلا و نقره نسبت داده‌اند و به کلی از اهمیت اصلی این منسوج غافل مانده‌اند.

از آن جایی که در بافت این پارچه، بیشتر از الیاف زر استفاده می‌شود، می‌توان گفت که زر آن قدر با این بافته عجین شده که جدایی این دو غیرممکن است.



تصویر شماره ۶- نوعی پارچه زری

در تصویر شماره ۶، یک نوع پارچه زری با زمینه سبز و گلابتون دیده می‌شود. ابتکار جدیدی طرح ریزی شده تا بتوان چنین بافتی با زیبایی خاص و برجسته به وجود آید. در طراحی این نوع زری با استفاده از قرینه‌سازی و ابتکار در تقسیم‌بندی خ‌های تار از محور وسط این طرح نخ‌های مشابه را در موقع نخ‌کشی از وردها و گوشواره‌های به شکلی انجام می‌دهند که نخ‌های مشابه در طرفین در یک دسته گوشواره قرار گیرند یعنی نخ تار نوک پرنده سمت چپ و نوک پرنده سمت راست در یک جا روی طرح اثر می‌گذارد و بقیه نقاط بدن پرنده در طرفین در یک نقطه مشابه هستند و روی تارهای مشابه دیگر گوشواره قرار می‌گیرند؛ این نوع عمل را صرفه‌جویی در حرکت می‌نامند که یک نفر کارگر ماهر گوشواره‌کش با حرکت یک دست خود، ترهای تکراری را یک جا به بالا هدایت می‌کند با این عمل سرعت بافت دو برابر می‌شود ولی در موقع نخ‌کشی از وردها، دقت بسیار زیادی لازم است که باید ابتداء روی کاغذ شطرنجی آنها را پیاده نمود و تارهای مشابه را تعیین کرد. این نوع طرح شکل‌دار در زمان ساسانیان طراحی و در دست هنرمندان زری‌بافت قرار گرفت که باعث تعجب و تحسین جهانیان قرار گرفت و چون هنرمندان کشورهای دیگر نسبت به آن بی‌اطلاع بودند، بر این نوع طراحی‌ها نقش افسانه زدند و گفتند: «این عمل کار بشر نیست بلکه اشخاص ماوراءالطبیعه انجام داده‌اند!»